

## رویکرد حقوق کیفری اتحادیه اروپا در تحقیقات کیفری فرامرزی

جواد صالحی \*

(تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۸)

### چکیده

تقاضای دلایل کیفری یا تحقیقات کیفری جرایم فرامرزی در قلمرو اتحادیه اروپا دارای الگوی همکاری متقابل، اصل شناسایی متقابل و قرار تحقیقات کیفری است. این رویکرد جایگزینی برای قانون آیین دادرسی کیفری فراملی و یکسان‌سازی قوانین داخلی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا است. تصور این است که زمینه هماهنگ‌سازی قوانین داخلی دولت‌های عضو منطبق بر اصول آیین دادرسی کیفری با تجربه همکاری متقابل، شناسایی متقابل و قرار تحقیقات کیفری ممکن می‌شود. اما اصل شناسایی متقابل و قرار تحقیقات کیفری کاستی‌هایی جدی دارند که تا مرتفع نشدن آنها چشم‌اندازی برای هماهنگ‌سازی قوانین داخلی دولت‌های عضو وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که شناسایی متقابل یا قرار تحقیقات کیفری در خصوص رفتارهای جرم‌انگاری نشده، مشمول امر مختومه، تفاوت در استانداردهای حقوق کیفری یا در تعارض با حاکمیت ملی و خطوط قرمز با شکست و بن‌بست مواجه شده‌اند. مشابه این وضعیت در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری فراملی و یکسان‌سازی قوانین دولت‌های عضو در آینده وجود دارد.

واژگان کلیدی: دولت فراسرزمینی، اتحادیه اروپا، همکاری متقابل، اصل شناسایی متقابل، قرار تحقیقات کیفری.

## مقدمه

تحقیقات کیفری در اتحادیه اروپا با بیش از نیم سده قدمت مبتنی بر الگوی «کنوانسیون اروپایی راجع به همکاری متقابل در امور کیفری»،<sup>۱</sup> پروتکل‌های الحاقی اول<sup>۲</sup> و دوم<sup>۳</sup> آن، «کنوانسیون شورای اتحادیه اروپا راجع به همکاری متقابل در امور کیفری»<sup>۴</sup> و پروتکل الحاقی آن<sup>۵</sup> است. همکاری قضایی کلاسیک در قلمرو دلایل امور کیفری در سطح اروپا ابتدا با توسل به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی دوجانبه و چندجانبه آغاز شده است (McClean, 2012: 171). باز شدن مرزهای ملی جامعه اروپا بر اساس کنوانسیون شنکن فرصتی جدید است تا بزهداران زین‌پس بدون مداخله و کنترل هر یک از دولت‌ها در سرتاسر کشورهای جامعه اروپا تحرک داشته باشند. از این رو، ضرورت همکاری دادستان‌های هر یک از کشورهای عضو با یکدیگر در راستای ایفای نقش برای مبارزه با جرایم بین‌المللی احساس شده است (Zimmermann, 2011: 57). در حقوق کیفری بین‌المللی، عنصر خارجی فاعلی، مفعولی یا موضوعی ارتکاب جرم، آن را به دولت خارجی مرتبط می‌کند (میرمحمدصادقی و ایزدیار، ۱۳۹۲: ۴). از این رو، ارجاع صلاحیت در امور کیفری از سوی دادستان کشورهای عضو به یکدیگر در قلمرو جرایم فرامرزی کارساز نبوده است. در ابتدا دولت‌های عضو خواستار برقراری اصل درخواست بودند تا بر اساس آن یکی از دیگری درخواست همکاری در امور کیفری داشته باشد، گرچه دولت درخواست‌شونده این تقاضا را نپذیرد؛ این راهکار در مبارزه با جرایم فرامرزی مؤثر نبوده است. اگرچه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا با تنظیم موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه در صدد رفع این کاستی برآمده‌اند، گرفتار تعیین قانون حاکم در زمان اجرای درخواست در امور

1. European Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (1959).
2. Additional Protocol to the European Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (1978).
3. Second Additional Protocol to the European Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (2001).
4. Council of the European Union, Council Act (2000).
5. Council of the European Union, Additional Protocol to the Council Act (2001).

کیفری شده‌اند. تفاوت قوانین هر یک از اعضا باعث شده است که دولت درخواست‌کننده خواهان اعمال قوانین داخلی خود در زمان اجرای درخواست در امور کیفری از دولت دیگر باشد. ولی دولت درخواست‌شونده این رویکرد را در تعارض با اعمال حاکمیت در امور داخلی تلقی کرده و در اکثر موارد از اجرای آن امتناع کرده است. بر این اساس، تقابل میان دولت درخواست‌کننده و درخواست‌شونده در امور کیفری هر یک به جهت قوانین داخلی خود منجر به ناکارآمدی این تحقیقات و دلایل مؤید آن شده است.

نخستین رویکرد جامعه اروپا برای رفع این اشکال، تصویب کنوانسیون اروپایی راجع به همکاری متقابل در امور کیفری بود. تصویب این کنوانسیون، نخستین گام در مسیر شکل‌گیری منطقه آزادی، امنیت و عدالت<sup>۱</sup> در سطح اتحادیه اروپا شناخته شد. در کنوانسیون اروپایی همکاری حقوقی در امور کیفری تلاش شد کاستی‌های فقدان آیین دادرسی کیفری فراملی در سطح اتحادیه اروپا جبران شود. دولت‌های عضو برای تصویب قانون آیین دادرسی فراملی یا یکسان‌سازی قوانین داخلی اجماع ندارند. بنابراین، در این کنوانسیون از دولت‌های عضو خواسته شد که در خصوص درخواست هر دولت عضو دیگر برای جمع‌آوری و ارسال دلایل، مدارک و اسناد کیفری مطابق قوانین خود عمل کنند. این طرح در ابتدا با شکست مواجه شد. اگر رفتار مورد ادعای دولت درخواست‌کننده مطابق مقررات دولت درخواست‌شونده جرم نبود، با اجرای این درخواست به جهت تعارض با مقررات دولت درخواست‌شونده موافقت نمی‌شد. بر همین اساس، دولت‌های درخواست‌شونده بنا بر اغراض سیاسی از اجرای چنین درخواست‌هایی سر باز می‌زدند. دولت‌های درخواست‌شونده در برخورد با چنین درخواست‌هایی به بهانه‌های تعارض با حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا دیگر منافع داخلی یا تعاریف مختلف از جرایم سیاسی، نظامی و مالیاتی از همکاری با طرف مقابل خودداری می‌کردند. این در حالی است که تکامل پدیده‌های حقوقی تابعی از تکامل پدیده‌های اجتماعی است (حبیب‌زاده و عطار، ۱۳۹۱: ۱). مبارزه با جرم واقعی است که در عرصه جهانی دستخوش تحولاتی قرار گرفته است که ناگزیر همکاری

1. Area of Freedom, Security and Justice.

دولت‌ها را می‌طلبد. از این‌رو، پیدایی کاستی‌های این کنوانسیون و تجربه اتحادیه اروپا از آن منجر به تصویب کنوانسیون شورای اتحادیه اروپا راجع به همکاری متقابل در امور کیفری با یک پروتکل الحاقی شد. تصویب کنوانسیون همکاری متقابل در امور کیفری از سوی شورای اتحادیه اروپا بدین منظور بود تا بر اساس آن همکاری سریع و مؤثر اعضا با یکدیگر تضمین شود. بر این اساس، تمرکز اصلی این کنوانسیون بر دو مسئله، یعنی ابعاد اجرایی همکاری متقابل (مواد ۱ تا ۷) و اشکال مختلف همکاری متقابل (مواد ۸ تا ۲۲)، بوده است.

این رویکردها برای رفع خلأ آیین دادرسی کیفری فراملی است که اتحادیه اروپا حتی پس از نیم سده فراز و فرود در این حوزه بنا به دلایلی موفق به تحقق آن نیست. رویکرد اتحادیه اروپا در تحقیقات کیفری فرامرزی توسل به ابزارهای جایگزین مانند اصل شناسایی متقابل و دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در امور کیفری است تا از این طریق به گمان خود نقایص پیش‌رو مرتفع شوند. اما هر یک از این دو رویکرد نیز کاستی‌هایی دارد که موضوع این نوشتار قرار گرفته‌اند. رویکرد اتحادیه اروپا در این راستا تکاملی و درصدد رفع نقایص به صورت گام به گام است. از این‌رو، برای تحقق آن مسیری پر فراز و نشیب طی شده است که همچنان ادامه دارد. رویکرد جدید اتحادیه اروپا از رویکردهای سابق به نسبت دارای نقایص کمتری است، اما رویکردهای جدید دارای چالش‌های عمیق‌تری هستند که گذر از آنها دشوار است. با وجود این، برای این گزینه‌های دارای نقایص، جایگزینی بهتر وجود ندارد. از این‌رو، چاره‌ای نیست که همین رویکردها به نحوی تفسیر و اجرایی شوند که کمترین برخورد با اصول بنیادین حقوق کیفری جدید را داشته باشند. بر این اساس، در نوشتار حاضر تلاش می‌شود ابتدا سازکار همکاری قضایی در تحقیقات کیفری در شرایط فقدان آیین دادرسی کیفری فراملی (شماره ۱) و سپس اصل شناسایی متقابل، الگوی جدید اتحادیه اروپا در تحقیقات کیفری فرامرزی (شماره ۲) و در نهایت دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در امور کیفری در تعارض با اصول بنیادین حقوق کیفری (شماره ۳) با رویکردی انتقادی از حیث چالش‌های احتمالی بررسی و تحلیل شوند. هدف از این نوشتار ارائه دست‌آوردهای بررسی تطبیقی الگوهای بیش از نیم سده تلاش جامعه و

اتحادیه اروپا در راستای تحقیقات کیفری فرامرزی در قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو به جامعه حقوقی علاقه‌مند به مباحث حقوق کیفری جدید است که بی‌تردید الگوی تجربه‌شده‌ای برای سایر نظام‌های حقوقی پیش‌رو و همکاری‌های منطقه‌ای غرب آسیا در این عرصه است.

## ۱. سازگار همکاری قضایی در تحقیقات کیفری در شرایط فقدان آیین دادرسی

### کیفری فراملی

آیین دادرسی کیفری فراملی و توسعه آن از موضوعات جدید حقوق کیفری است. ضرورت پیش‌بینی قانون آیین دادرسی کیفری فراملی برای نخستین بار در سطح اتحادیه اروپا مطرح شده است. حاکمیت حقوق جدید اروپایی (پرادل و کورستنز، ۱۳۹۳: ۲۱) و نحوه تعامل آن با حقوق داخلی در سطح کشورهای عضو اتحادیه اروپا به نظر برخی سبب تضعیف ویژگی‌های حقوق داخلی یا حقوق مدرن و سرانجام به چالش کشیده شدن نظام هرمی اتحادیه اروپا شده است (روح‌الامینی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). حقوق اروپایی با تضعیف حاکمیت دولت‌ها به نحو اجباری در قلمرو کشورهای عضو اتحادیه اروپا هم برای قانونگذاری در عرصه داخلی و هم رسیدگی‌های قضایی در محاکم داخلی مدنظر دولت‌های عضو قرار می‌گیرد (دل‌ماس‌مارتی، ۱۳۹۳: ۴۳۵). این وضعیتی حاکی از برتری قوانین اتحادیه اروپا بر قوانین داخلی دولت‌های عضو است. بر این اساس، کشورهای اروپایی قوانینی از جمله پیمان اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰) را به اجراء می‌گذارند که واضح آن نیستند. بی‌نظمی در امنیت حقوقی شهروندان میان حقوق داخلی کشورهای عضو و حقوق اروپایی منبث از تکثر منابع و نیز تعارض احتمالی در قوانین دولت‌های عضو با یکدیگر یا با قوانین اتحادیه اروپا، جدی و در شرف ایجاد بحران امنیت حقوقی است. راهکار برون‌رفت از این وضعیت در گرو یکسان‌سازی<sup>۱</sup> قوانین کیفری دولت‌های

---

1. Unification.

عضو با اتحادیه اروپا است که به خاطر عدم امکان، به سوی هماهنگ‌سازی<sup>۱</sup> قوانین کیفری به پیش رفته است (روح‌الامینی، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

یکسان‌سازی، مستلزم تشابه در قوانین است که به خاطر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو ناممکن است و هماهنگ‌سازی مستلزم سازگاری در عین تفاوت قوانین است که با مقاومت‌هایی مواجه است (دل‌ماس‌مارتی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). از این رو، در حال حاضر انجام تحقیقات کیفری پرونده‌های دارای ماهیت فراملی مستلزم بهره‌گیری از سازکار همکاری قضایی در تحقیقات کیفری است. عملکرد یک‌جانبه هر یک از دولت‌های عضو در تعقیب و تحقیق جرایم فراملی تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده است. بنابراین، تعقیب و تحقیق پرونده‌های کیفری فراسرزمینی دولت‌های عضو منجر به ایجاد شبکه‌ای از مقامات ذی‌صلاح قضایی ملی برای مقابله مؤثر با جرایم فراملی شده است. همکاری قضایی در تحقیقات کیفری یکی از ابزارهای پیش‌روی دولت‌ها برای دسترسی به اطلاعات مجرمانه فرامرزی در تحقیقات کیفری است. دولت‌ها در جامعه بین‌المللی به اتکاء موافقت‌نامه‌های همکاری حقوقی متقابل در تحقیقات کیفری به تبادل اطلاعات جرایم سازمان‌یافته فراملی می‌پردازند. تبادل اطلاعات فرامرزی در عرصه بین‌الملل از این طریق تاکنون بی‌بدیل است. اما این به معنای کامل و بی‌نقص بودن آن نیست. همکاری حقوقی متقابل دولت‌ها برای دسترسی به اطلاعات مجرمانه منجر به توقف تحقیقات کیفری در جریان می‌شود، تا اینکه اطلاعات مدنظر در اختیار وی قرار گیرد. دولت درخواست‌شونده در اقدامات یک‌جانبه به ارزیابی فوریت یا صلاحیت دولت درخواست‌کننده برای دسترسی به اطلاعات کیفری مدنظر می‌پردازد. این رویکرد در اکثر موارد منجر به از دست رفتن زمان یا بی‌نتیجه ماندن درخواست دریافت اطلاعات کیفری می‌شود. زمان‌بر بودن تشریفات تبادل اطلاعات کیفری اغلب با برآورده نشدن یکباره توقع دولت درخواست‌کننده در نحوه عملیات جمع‌آوری و ارسال دلایل کیفری مدنظر دوچندان می‌شود. عدم همکاری دولت‌ها در جرایم خرد، عدم دریافت اطلاعات از دولت درخواست‌شونده راجع به دریافت درخواست یا گزارش

1. Harmonisation.

طی مراحل رسیدگی به آن تا حصول نتیجه، اشکالات راجع به محتوای موضوع درخواست مبنی بر کلی بودن، مشخص نبودن، فقدان ضرورت و فوریت دسترسی به اطلاعات، یکسان نبودن زبان طرفین و تفاوت نظام‌های حقوقی طرفین از حیث نوع و استناد به دلایل اثباتی جرم از چالش‌های پیش روی دولت درخواست کننده و برآورده شدن انتظارات وی از همکاری حقوقی متقابل با دیگر دولت‌های اتحادیه اروپا است، صرف نظر از اینکه فرایند تبادل اطلاعات مجرمانه ذخیره شده در مراکز داده فرامرزی در برخی موارد با ممنوعیت دسترسی به خاطر ارتباط آن با امنیت داخلی مواجه است.

اصل عدم اعتبار قوانین جزایی دیگر کشورها در دادگاه‌های کیفری درون سرزمینی منبعث از روابط سنتی کشورها در حقوق جزای بین‌الملل است که در هزاره سوم در تمام نظام‌های حقوقی به نحوی از انحاء دستخوش تعدیل و تحوّل قرار گرفته است (میرخلیلی، رحمانی نعیم آبادی و سالاری فر، ۱۳۹۳: ۱۸۱). با وجود این، دسترسی دولت درخواست کننده به دلایل کیفری ابتدای مصائب وی است، چراکه این دولت ممکن است در فرض دسترسی به دلایل کیفری بنا بر محدودیت‌های داخلی از استفاده از دلایل جمع آوری و ارسال شده توسط دولت درخواست شونده ممنوع باشد. اما درخواست همکاری دولت خارجی در تحقیقات کیفری مستلزم اعتباربخشی مطلق به قوانین کیفری وی و صرف نظر کردن از اعمال حق حاکمیت درون سرزمینی نیست. دلایل جمع آوری شده بر اساس قوانین کیفری دولت مجری به محک قوانین کیفری دولت درخواست کننده زده می‌شود و در صورت تطابق مستند محکومیت قرار می‌گیرد، در غیر این صورت علی‌رغم صرف زمان و انرژی زیاد برای جمع آوری آن بدان توجهی نمی‌شود. این اشکالات عمدتاً از اتکاء به الگوهای کلاسیک و متفاوت کشورها در همکاری‌های بین‌المللی در قلمرو جرایم سایبری نشئت می‌گیرند. در این سبک الگوی واحد معاهده همکاری حقوقی متقابل برای تبعیت همه کشورها وجود ندارد. تنظیم معاهده همکاری حقوقی متقابل متکی به نظام قانونگذاری داخلی است. فرایند ساده یا پیچیده دستیابی به اطلاعات فرامرزی به یک درخواست ساده از سوی دولت درخواست کننده محدود است. اتکاء به اطلاعات به دست آمده از طریق

همکاری حقوقی متقابل بدون ضرورت تطبیق با استانداردهای قانون آیین دادرسی کیفری یا عدم پذیرش آنها به خاطر تضاد با معیارهای آیین دادرسی کیفری داخلی نیز نتیجه ساز کارهای کلاسیک همکاری حقوقی میان دولت‌ها است.

این در حالی است که اصول، قواعد و آیین دادرسی کیفری در پرتو جهانی شدن جرم با تغییر و تعدیل‌هایی مواجه شده‌اند (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). با وجود این، دلایل حسب قوانین داخلی کشور درخواست‌شونده جمع‌آوری و برای دولت درخواست‌کننده ارسال می‌شوند، تا حدی که دسترسی دولت درخواست‌کننده با قوانین وی تعارض اساسی نداشته باشد. در چنین شرایطی کسب اطلاعات فاقد پیش‌شرط‌های لازم و معمول فرایندهای همکاری حقوقی در تحقیقات کیفری استاندارد است. در این الگوی کلاسیک، اقدامات متفاوتی حسب صلاحدید مقام قضایی دولت مجری برای جمع‌آوری دلایل و ارسال آنها انجام می‌شوند. همکاری مقامات قضایی دو دولت در تبادل اطلاعات سرآغازی برای انجام تحقیقات کیفری است. اما هیچ تضمینی برای پذیرش دلایل جمع‌آوری‌شده وجود ندارد. دلایل کیفری مطابق صلاحدید مقام قضایی یک طرف جمع‌آوری شده‌اند و برای اثبات جرم در نظام قضایی طرف دیگر به کار گرفته می‌شوند. چه‌بسا نحوه دستیابی و جمع‌آوری دلایل حسب مقررات آیین دادرسی کیفری متفاوت دولت‌ها بیش از خود دلیل واجد ارزش و اهمیت باشد، به نحوی که دولت درخواست‌کننده، گرچه در شرایط دستیابی به دلیل کیفری، به خاطر عدم رعایت استانداردهای پیش‌بینی‌شده لازم برای اعتباربخشی و استناد به آن، در محکومیت متهم با شکست مواجه شود، در حالی که محکومیت متهم قطعی می‌بود، اگر در جمع‌آوری و ارسال دلایل، پیش‌شرط‌های مقرر در قانون آیین دادرسی وی ملاک عمل قرار می‌گرفت.

بر این اساس، الگوی تحقیق و تعقیب جرایم با همکاری قضایی دولت‌های عضو در چارچوب «اصل شناسایی متقابل»<sup>۱</sup> برای رفع این کاستی تدوین شده است. این نگرش جدید در تعقیب متهم، تحقیقات کیفری، جمع‌آوری دلایل علیه وی و در نهایت به محاکمه کشیدن وی مستلزم

1. Principle of Mutual Recognition.



آیین دادرسی کیفری فراملی عادلانه است. مبارزه با جرایم فراملی بدون رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه از تعقیب تا مجازات متهم از نگرانی‌های جامعه بشری است. جلوگیری از فرار مجرم فراملی از تعقیب و مجازات در کانون توجه جامعه بشری است. اما تعقیب، محاکمه و مجازات نکردن مظنون بیگناه در چنین فرایندی نیز اهمیت دارد. این امر مستلزم تعقیب، تحقیق و محاکمه عادلانه در بستر اصول همکاری حقوقی متقابل و شناسایی متقابل اعضاء است که در چارچوب آیین دادرسی کیفری فراملی ممکن است. همکاری‌های حقوقی متقابل دولت‌های عضو نباید منجر به تضییع پیش شرط‌های دادرسی عادلانه و تحقق عدالت کیفری جهانی در حق متهم شود. انتظار می‌رود طرفین این پرونده‌ها برای تأثیر در نتیجه نهایی پرونده از فرصت یکسان برخوردار باشند. آیین دادرسی کیفری فراملی اروپا در جمع‌آوری دلایل علیه متهم، قابلیت برقراری توازن حقوق وی با دادستان را دارد. این رویکرد متکی به اصل شناسایی متقابل و یکسان‌سازی حقوق دفاعی متهم صرف نظر از قلمرو سرزمینی هر یک از دولت‌های عضو است. حفظ و توسعه طرح امنیت اتحادیه اروپا بر موقعیت متهم مؤثر است. تفاوتی میان متهم در اتحادیه اروپا با متهم در قلمرو سرزمینی هر یک از دولت‌های عضو نیست. متهم در قلمرو مرزهای دولت سرزمینی از بایسته‌هایی برخوردار است که حقوق دفاعی وی را تضمین می‌کنند. این جایگاه برای متهم در بستر همکاری حقوقی متقابل دولت‌های عضو نیز محقق است. اصل شناسایی متقابل سنگ بنای توسعه همکاری حقوقی متقابل در سطح اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

حاکمیت قانون در عرصه بین‌الملل ابزاری در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ترویج و اعتلای حقوق بشر و پایداری ارکان تصمیم‌گیرنده به مقررات پذیرفته شده است (حاجی‌زاده، نژندی‌منش و زارعی، ۱۳۹۶: ۱۷۱). بر این اساس، قانون آیین دادرسی کیفری فراملی بستر ساز حقوق دفاعی یکسان متهم در پرونده‌های کیفری فراملی است. متهم در پرونده کیفری اتحادیه اروپا موضوع قانون آیین دادرسی یک دولت عضو نیست، بلکه احتمال درگیر شدن وی با قوانین تمام دولت‌های عضو مطرح است. از این رو، پرونده کیفری فراملی با فقدان قانون آیین دادرسی

فراملی مشمول همکاری دولت‌های عضو است. دولت‌های عضو بر اساس اصل دسترسی<sup>۱</sup> به مراکز داده مشترک اطلاعاتی در مقابل متهم قرار می‌گیرند، حال آنکه متهم یا وکیل وی از چنین امتیازی برخوردار نیست. دسترسی به اطلاعات و مدارک تیره کننده یا الزام دولت‌های عضو به همکاری در افشای دلایل پیش از شروع محاکمه مفقود است. این وضعیت نه تنها برابری سلاح‌ها را به ضرر متهم نامتعادل می‌کند، بلکه حق متهم را در برخورداری از محاکمه در دادگاه قانونی با الزامات آیین دادرسی کیفری متناسب نادیده می‌گیرد. همکاری مقامات اجرایی دولت‌های عضو در پرونده کیفری فراملی دارای ظرفیت بالقوه‌ای علیه متهم است که چشم‌پوشی از آن ممکن نیست. احتمال محاکمه متهم بر اساس نظام حقوقی هر یک از دولت‌های عضو با مساعدت کلیه دولت‌های عضو در جمع‌آوری و ارائه دلایل کیفری علیه وی به دادگاه محاکمه‌کننده دیگر دولت عضو به شدت حقوق دفاعی وی را تضعیف می‌کند. محکومیت وی در چنین وضعیتی از تیره‌وی محتمل‌تر است، حال آنکه در خصوص برخورداری متهم از تضمینات دادرسی عادلانه، تفاوتی میان پرونده‌های کیفری فراملی، بین‌المللی یا داخلی نیست. جمع‌آوری دلایل از قلمرو فراسرزمینی و توسل دادگاه محاکمه‌کننده به ظرفیت تمام دولت‌های عضو امکان ارزیابی متهم از دلیل و دفاع در برابر آن را دشوار می‌کند (Buric, 2015: 65). وضعیت متهم و تضمین حقوق وی در بستر متفاوت عملکرد قضایی هر یک از دولت‌های عضو در صدور قرارهای مقدماتی پرونده و جمع‌آوری دلایل، محاکمه و مجازات وی را پیچیده می‌کند. جمع‌آوری دلایل کیفری از قلمرو سرزمینی کل جامعه اروپا و ارسال آنها به دادگاه یک دولت عضو جهت استناد در محاکمه متهم، در شرایط فقدان قانون آیین دادرسی کیفری فراملی، با احتمال غیرمسموع بودن آن دلایل به خاطر تفاوت در قوانین آیین دادرسی کیفری دولت‌های عضو با دولت محاکمه‌کننده مواجه است.

تحقق عدالت در شرایط نابرابر استانداردهای آیین دادرسی کیفری هر یک از دولت‌های عضو در جمع‌آوری دلایل، محکومیت و مجازات متهم دست‌نیافتنی است، حال آنکه

---

1. Principle of Availability.

استانداردهای جمع آوری دلایل و شکل گیری پرونده کیفری فراملی علیه متهم در سطح جامعه اروپا با استانداردهای داخلی دولت های عضو نباید متفاوت باشند. عدم آشنایی متهم و مقامات قضایی هر یک از دولت های عضو با زبان خاص و نظام حقوقی سایر اعضای همکاری کننده در پرونده کیفری فراملی از چالش های پیش روی پرونده های کیفری فراملی اتحادیه اروپا است. شرکت دادن متهم در چنین فرایندی که در آن چشم انداز تبرئه دیده نمی شود، به مراتب خطرناک تر از محاکمه نکردن وی است. ترکیب قوانین آیین دادرسی کیفری داخلی دولت های عضو برای تعقیب و تحقیق کیفری از مصائب دولت عضوی است که با تلفیق آنها با قانون آیین دادرسی کیفری داخلی خود وظیفه محاکمه متهم به جرم فراملی را برعهده دارد. برقراری و حفظ تعادل حقوق متهم در قوانین مختلف دولت های عضو به آسانی ممکن نیست. حل این معضل در گرو تدوین قانون آیین دادرسی فراملی واحد یا یکسان سازی اصول و استانداردهای قوانین آیین دادرسی کیفری دولت های عضو است. تدوین قانون آیین دادرسی فراملی اجراء شدنی در قلمرو سرزمینی تمام دولت های عضو متکی به اصول و استانداردهای واحد آیین دادرسی کیفری و برآورده شدن انتظارات تمام دولت های عضو است. اما برآورده شدن انتظارات تمام دولت های عضو در انطباق قانون واحد با نظام های حقوقی و رویه های قضایی متفاوت آنها دشوار است (Gless, 2013: 95). از این رو، باید چاره ای اندیشیده شود که محاکمه جرایم فراملی با فقدان قانون آیین دادرسی کیفری فراملی در سطح اتحادیه اروپا ممکن باشد. تجربه ای که تاکنون در چارچوب همکاری قضایی در تحقیقات کیفری وجود داشته است به دلیل کاستی های آن موفقیت آمیز نبوده است. اصل شناسایی متقابل پیشنهاد جدید اتحادیه اروپا برای از میان بردن کاستی های تحقیقات کیفری فرامرزی است.

۲. اصل شناسایی متقابل: الگوی جدید اتحادیه اروپا در تحقیقات کیفری فرامرزی  
 جامعه اروپا بر قدرت نرم (مزیت هنجاری) اتکاء دارد (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). یکی از ابزارهای پیش رو برای عدم مداخله در امور داخلی سایر دولت های عضو اتکاء به اقناع و لزوم همکاری

برای حل مشکلات مشترک است. بر این اساس، اصل شناسایی متقابل برای نخستین بار راجع به قرارهای مقدماتی پیش از محاکمه<sup>۱</sup> برای تسریع در حفظ دلایل مجرمانه جمع‌آوری شده مورد توجه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا قرار گرفت. تجربه کنوانسیون اروپایی راجع به همکاری متقابل در امور کیفری حاکی از کندی فرایند جمع‌آوری دلایل کیفری و ارسال آنها به دولت درخواست‌کننده بود، صرف نظر از اینکه در اکثر موارد این دلایل به اتکاء قوانین داخلی دولت محاکمه‌کننده پذیرفته نمی‌شدند. تحقیقات کیفری متناسب با قوانین داخلی دولت مجری انجام می‌شدند. دلایل حاصل از این تحقیقات علی‌رغم صرف زمان و هزینه زیاد، در محکومیت متهم به جرایم فراملی در دادگاه کیفری دولت عضو دیگر مستند قرار نمی‌گرفتند. تحت این شرایط فلسفه همکاری حقوقی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نادیده گرفته می‌شد. تنها گزینه عبور از این تنگنا همسان‌سازی قوانین آیین دادرسی داخلی کلیه دولت‌های عضو بود. اما این فرایند نیز با مخالفت‌های سیاسی اعضاء مواجه بود. از این رو، توسل به اصل شناسایی متقابل در سطح دولت‌های عضو چاره‌اندیشی شد، چنانکه توسعه روابط بین‌المللی در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی منوط به جلب اعتماد متقابل کشورها است (جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹۶). از این رو، اتحادیه اروپا نیز کلیه اعضاء خود را بر اساس مقررات کنوانسیون شورای اتحادیه اروپا بر همکاری متقابل در امور کیفری<sup>۲</sup> ملزم کرد تا به شناسایی متقابل فوری قرارهای قضایی و تصویب الگوی تصمیم‌گیری بر روی آنها پردازند. از دولت‌های عضو خواسته شد تا قوانین داخلی دولت مجری دستورات قضایی را نیز در زمان صدور قرار تحقیقات کیفری در قلمرو سرزمینی وی در نظر بگیرند تا اینکه دولت مجری بر اساس قوانین آیین دادرسی کیفری داخلی از دستورات مقام قضایی دولت درخواست‌کننده در جمع‌آوری دلایل کیفری تبعیت کند.<sup>۳</sup> بر این اساس، دولت درخواست‌کننده ملزم است درخواست خود را برای انتقال دلایل کیفری از قلمرو سرزمینی دیگر

1. Pre-trial.

2. Council of the European Union's Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (2000).

3. Council Framework Decision 2003/577/JHA (2003).

دولت عضو منطبق با مقررات معاهده همکاری متقابل در امور کیفری تنظیم کند تا اینکه مقام ذی صلاح قرار قضایی را با در نظر گرفتن همزمان مقررات داخلی و الگوی معاهده همکاری حقوقی متقابل اجرایی کند.<sup>۱</sup>

تجربه شناسایی متقابل در دلایل امور کیفری به طرح کمیسیون اروپا در خصوص تصمیم ساختاری راجع به قرار دلیل اروپایی<sup>۲</sup> منتهی شد.<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۸ تصمیم ساختاری شورا راجع به قرار دلیل اروپایی تصویب شد تا بر اساس آن همکاری قضایی دولت‌های عضو مبتنی بر اصل شناسایی متقابل قرار قضایی شکل گیرد. به موجب این قانون مقرر شد تا دلایل، مدارک و اطلاعات موجود برای اثبات جرم در اختیار دولت عضو دیگر قرار گیرد.<sup>۴</sup> کل فرایند توقیف، جمع‌آوری و ارسال دلایل کیفری به دولت درخواست‌کننده مشمول تصمیم ساختاری شورا بود. اما ارسال برخی از دلایل به دولت درخواست‌کننده تحقیقات کیفری ممکن نبود. دولت درخواست‌کننده برای دسترسی به دلایل مستثنی شده مجبور به توسل به راهکار سابق کلاسیک همکاری قضایی در امور کیفری بود. در عین حال، تصمیم ساختاری شورا فقط برای جمع‌آوری و ارسال دلایل موجود در قلمرو سرزمینی دولت درخواست‌شونده کاربرد داشت. اگر راجع به وضعیت مجرمانه هیچ دلیلی در قلمرو دولت عضو دیگر وجود نداشت، اجرای قرار تحقیقات کیفری با بن‌بست مواجه می‌شد، چراکه توقع انجام تحقیقات کیفری برای کشف دلایل کیفری به استناد تصمیم ساختاری شورا ممکن نبود. با وجود این، طرح فوق به تصویب شورای اروپا رسید، بدون اینکه اشکال اساسی آن مرتفع شود.

این رویکرد بدین معنا بود که هم دستور توقیف دلایل و هم قرار دلیل اروپایی دارای کاستی‌هایی بودند که اهداف مدنظر از کشف و جمع‌آوری دلایل فراسرزمینی را بدون توسل به

1. Directive of the European Parliament and of the Council of Regarding the European Investigation Order in Criminal Matters (2014).

2. European Evidence Warrant.

3. Proposal for a Council Framework Decision on the European Evidence Warrant for obtaining objects, documents and data for use in proceedings in criminal matters (2003).

4. Council Framework Decision 2008/978/JHA (2008).

ساز کارهای کلاسیک همکاری قضایی در امور کیفری محقق نمی‌کردند. نخستین ابزار شناسایی متقابل در حوزه همکاری حقوقی متقابل با تصویب تصمیم ساختاری شورای اروپا قابل اجراء در سطح اتحادیه اروپا برای اجرای دستور توقیف اموال و دلایل پیش‌بینی شد.<sup>۱</sup> اما دستور توقیف اموال و دلایل تنها به منظور توقیف اموال و دلایل در سرزمین درخواست‌شونده بود و شامل نحوه ارسال آنها به دولت درخواست‌کننده نبود. این بدین معنا بود که اگر دولت درخواست‌کننده خواهان دریافت دلایل بود، می‌بایست درخواست را در چارچوب معاهده همکاری حقوقی متقابل ضمن دستور توقیف اموال و دلایل برای دولت درخواست‌شونده ارسال می‌کرد. این رویکرد به معنای دوباره‌کاری بود، چراکه درخواست مبتنی بر همکاری حقوقی متقابل می‌توانست هر دو اقدام توقیف و ارسال دلایل را دربرگیرد. از این رو، دستور توقیف اموال و دلایل به نظر زائد می‌آمد، اگر هدف از توقیف آنها، ارسال به دولت دستوردهنده بود، چراکه دولت درخواست‌کننده بدون صدور دستور توقیف اموال و دلایل نیز حسب مفاد کنوانسیون همکاری حقوقی متقابل به همین نتیجه نائل می‌شد. از این رو، کمیسیون اروپا تصمیم ساختاری دیگری را در سال ۲۰۰۹ تصویب کرد تا به موجب آن تمام ساز کارهای موجود برچیده شوند و تصمیم ساختاری جدید تنها طریق توسل به دلایل کیفری فراسرزمینی باشد.<sup>۲</sup> با وجود این، این رویکرد نیز به معنای تبادل اطلاعات و دلایل امنیتی مرتبط با حاکمیت درون‌سرزمینی با دیگر اعضا اتحادیه اروپا نبود. از این رو، مورد استقبال دولت‌های عضو اتحادیه اروپا قرار نگرفت. بر این اساس، ساز کارهای سابق دولت‌های عضو با تصمیم ساختاری جدید جایگزین نشدند.

واقعیت این است که زندگی در جامعه بین‌المللی تنها با همکاری دولت‌ها در زمینه مبارزه با پدیده مجرمانه و مهار آن در سطح جهانی امکان‌پذیر است (امیری، ۱۳۹۴: ۱۱۸). بر این اساس، کمیسیون، شورا و پارلمان اروپا راجع به شناسایی متقابل آراء نهایی در امور کیفری<sup>۳</sup> به توافق

1. Protocol into the framework of the European Union (1997).
2. Green Paper on obtaining evidence in criminal matters from one Member State to another and securing its admissibility (2009).
3. Mutual Recognition of Final Decisions in Criminal Matters.

رسیدند. این اقدام مشترک موجب اجماع دولت‌های عضو شد (Mitsilegas, 2006: 1279). اصل شناسایی متقابل با چنین پیشینه‌ای بر اساس معاهده لیسبون مبنای همکاری دولت‌های اتحادیه اروپا در امور کیفری معرفی شد (ر.ک. مواد (۳) ۶۷ و (۱) ۸۲ معاهده لیسبون). مقررات استکهلم برای پی‌ریزی سیستم جامع کسب دلیل در پرونده‌های دارای منشأ فرامرزی متکی به اصل شناسایی متقابل تصویب شده است.<sup>۱</sup> این استنتاج از کنار هم قرار دادن مفاد مقررات بندهای ۱ تا ۳ ماده ۸۲ این معاهده در ضرورت تنظیم مقررات در امور کیفری و یکسان‌سازی حقوق کیفری در موضوعات مهم قابل حصول است. بر این اساس، اصل شناسایی متقابل مبنای همکاری آتی دولت‌های عضو اتحادیه در امور کیفری تلقی شد، حال آنکه پیش از این نیز اصل شناسایی متقابل با تصویب تصمیم ساختاری راجع به قرار جلب اروپایی<sup>۲</sup> پذیرفته شده بود. اگرچه انتظار می‌رفت اصل شناسایی متقابل منجر به یکسان‌سازی مقررات دولت‌های عضو اتحادیه اروپا شود، این اتفاق رخ نداد (Zimmermann, Glaser and Motz, 2011: 60). دولت‌ها تنها پذیرفتند که این وجه اشتراک را مبنایی برای اصول بنیادین حقوق کیفری داخلی قرار دهند، اگرچه استاندارد قوانین کیفری یکی از دیگری کمتر یا برتر باشد.

بر اساس اصل شناسایی متقابل، مقامات قضایی دولت عضو با اتکاء به قوانین داخلی حکم قضایی را صادر می‌کنند (دولت صادرکننده) و مقامات دولت دیگر عضو به عنوان مخاطب این حکم موظف به اجرای آن هستند، بدون اینکه به بررسی محتویات آن بپردازند (دولت اجراءکننده). مبنای اعمال مجازات در این شرایط لزوم اصل شناسایی متقابل است، برخلاف آن چیزی که تاکنون از اعمال مجازات به عنوان جلوه‌ای از اعمال حق حاکمیت دولت رایج بوده است (کلانتری و شیرزادی فر، ۱۳۹۴: ۴۶). از این رو، در برخی موارد دولت اجراءکننده محق و حتی مکلف به امتناع از اجرای حکم خارجی است. این ممنوعیت بر اساس قوانین محدود داخلی اختیاری یا الزامی است؛ این قوانین دلایل عدم اجرای حکم مقام قضایی خارجی را برمی‌شمرند.

1. Stockholm Programme (2010).

2. European Arrest Warrant (2002).

در غیر این صورت، مقام دولت اجراء کننده صلاحید خودداری از اجرای حکم مقام خارجی را ندارد، حال آنکه در سیستم کلاسیک همکاری حقوقی متقابل این صلاحید برای مقام دولت اجراء کننده گسترده تر است. او می تواند بنا به دلایل متعدد اجرایی از جمله مقتضیات یا مصالح عمومی از اجرای آن سرباز بزند، اگرچه قانونی خاص استدلال وی را تقویت نکند. اما این وضعیت در اصل شناسایی متقابل فقط محدود به نقض اصول بنیادین حقوق اتحادیه اروپا در قلمرو داخلی است (Klip, 2009: 344). البته چنین وضعیتی از اساس متصور نیست، چراکه اجرای حکم ناقض اصول بنیادین حقوق اتحادیه اروپا متکی بر صدور حکم ناقض اصول بنیادین قانون اتحادیه اروپا است. بر این اساس، صدور حکم با چنین شرایطی محکوم به بطلان است، پیش از اینکه به مرحله اجراء برسد. با وجود این، این رویکرد از جهت تأکید و کنترل و نظارت دولت اجراء کننده بر احکام صادره دولت عضو دیگر در زمان اجراء در قلمرو داخلی است، مشروط به اینکه هر دو برای بازتعریف اصول بنیادین متکی به حقوق اتحادیه اروپا باشند، بدون اینکه تجربه های دیگر خود را در آن دخیل کنند.

بر این اساس، در زمان اجرای حکم، قانون آیین دادرسی کیفری دولت صادر کننده در قلمرو دولت اجراء کننده حکم فرما می شود. این وضعیت منجر به از بین رفتن کنترل دولت اجراء کننده در اجرای آراء کیفری دولت صادر کننده در قلمرو درون سرزمینی است (Peers, 2004:10) که حاکمیت ملی وی را به چالش می کشاند (Mitsilegas, 2006: 1282). اما این کاستی با رویکرد اعتماد متقابل برای اجرای اصل شناسایی متقابل مرتفع می شود. تأثیر فراسرزمینی آراء صادر شده از سوی مقامات یک دولت عضو اتحادیه برای دولت اجراء کننده پذیرفته می شود، زمانی که صدور و اجراء آراء بر اساس قوانین دولت صادر کننده توجیه حقوقی داشته باشند. با وجود این، فرض سطح متناسبی از اعتماد متقابل در میان دولت صادر کننده و دولت اجراء کننده همیشه با چالش هایی مواجه است. نخست اینکه فرایندهای کیفری همیشه دارای مداخله جدی در حقوق اولیه افراد هستند. تحقیقات کیفری برای جمع آوری دلایل با مداخله در حریم خصوصی همراه است، صرف نظر از اینکه حضور مقام قضایی در محل سکونت یا کار وی به



برچسب‌زنی مجرمانه نزد همسایگان که نظاره‌گر اقدامات پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی علیه وی هستند منجر و باعث سلب اعتماد عمومی از وی می‌شود. این در حالی است که «حمایت از شخصیت انسان در گرو حمایت از حریم خصوصی وی» است (فروغی، برجی و مصلحی، ۱۳۹۳: ۱۳۸). از این رو، برقراری توازن میان تحقیقات کیفری در راستای منافع عمومی و حمایت از حقوق بنیادین افراد دخیل در آن از اهمیتی ویژه برخوردار است. تحت این شرایط اجرای آراء قضایی دولت صادرکننده، که با قوانین داخلی دولت اجراءکننده در حمایت از حقوق جامعه یا افراد خاطی از آن همخوانی ندارد، موجب نگرانی در سلب اعتماد متقابل میان دولت‌های عضو است.

### ۳. دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی<sup>۱</sup> در امور کیفری در تعارض با اصول بنیادین

#### حقوق کیفری

شورای اتحادیه اروپا برای رفع کاستی‌های ناشی از اصل شناسایی متقابل طرح دیگری را ارائه کرد.<sup>۲</sup> اما این طرح مورد استقبال کلیه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا قرار نگرفت. با وجود این، شکست اتحادیه اروپا در این طرح، گشایشی برای تصویب دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در امور کیفری شد.<sup>۳</sup> دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در سال ۲۰۱۴ تصویب شد.<sup>۴</sup> قرار تحقیقات برای مقام قضایی دولت عضو دیگر دارای این معنا است که در آن یک یا چند اقدام تحقیقاتی قابل انجام در قلمرو دولت عضو دیگر برای کسب دلیل کیفری درخواست می‌شود. دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی کلیه فرایندهای کشف، جمع‌آوری و ارسال کلیه دلایل کیفری به سرزمین دولت درخواست‌کننده را دربرمی‌گیرد. در راستای تحقق این خصوصیت، دیگر به

1. Directive on the European Investigation Order.

2. Action Plan Implementing the Stockholm programme (2010).

3. Initiative for a Directive of the European Parliament and of the Council regarding the European Investigation Order in criminal matters (2010).

4. Directive 2014/41/EU (2014).

هیچ یک از سازکارهای پیش‌بینی شده سابق نیازی نیست. دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی بر اساس اصل همکاری متقابل در راستای انجام تحقیقات و انتقال دلایل کیفری میان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد. این همان چیزی است که سابق بر این انتظار می‌رفت، اما از اسناد مصوب اتحادیه اروپا تا آن زمان برآورده نشد. اگرچه برخی از دولت‌ها به استناد مقررات داخلی تا آن زمان این انتظارات را برآورده می‌کردند، این رویکرد آنها مبتنی بر سازکارهای کلاسیک همکاری قضایی در امور کیفری بود. برای آنها بر اساس قوانین مؤخر بر آن الزامی ایجاد نشده بود. از این رو، هر دولتی به میل خود این تحقیقات را به درخواست دولت دیگر انجام می‌داد، اما دولت‌های عضو دیگر ملزم به رفتار مشابه نبودند. بر این اساس، دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی ترکیب سازکارهای کنوانسیون همکاری قضایی در امور کیفری و دیگر مقررات مؤخر را به طور یک‌جا دربر گرفت. دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی از این حیث یک گام به جلو تلقی می‌شود. اصل شناسایی متقابل در نتیجه این رویکرد پیش شرط جمع‌آوری دلایل فرامرزی قرار گرفته است. دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی از تاریخ ۲۲ می ۲۰۱۷ در نظام حقوقی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا تصویب و اجرایی<sup>۱</sup> شده است و سازکارهای سابق بر این ملغی‌الاثربوده‌اند.<sup>۲</sup>

دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی مبتنی بر قواعد تصمیم ساختاری راجع به قرار دلیل اروپایی است.<sup>۳</sup> قواعد تصمیم ساختاری راجع به قرار دلیل اروپایی برگرفته از مقررات کنوانسیون اتحادیه اروپا راجع به همکاری متقابل در امور کیفری هستند. دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی جایگزینی برای مقررات متفاوت و پراکنده قابل اعمال در قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا است که راجع به جمع‌آوری دلایل کیفری کاربرد دارد. بر این اساس، کمیسیون اتحادیه اروپا برای کسب دلایل در امور کیفری از قلمرو سرزمینی یک دولت به قلمرو سرزمینی

1. Article 36(1) of the Directive 2014/41/EU (2014).

2. Article 34(1) and (2) of the Directive 2014/41/EU (2014).

3. Framework Decision on the European Evidence Warrant.

دولت عضو دیگر اتحادیه، مصوبه برگ سبز را صادر کرده است،<sup>۱</sup> با این خصوصیت که دلایل انتقالی در نظام حقوقی دولت دیگر قابلیت پذیرش و استناد برای محکومیت متهم را داشته باشند، اگرچه اصول حقوقی و آیین دادرسی کیفری دو دولت فرستنده و گیرنده دلایل در امور کیفری در رابطه با شاخص‌های دلایل اثباتی جرم، نحوه جمع‌آوری و استناد به آنها در محکومیت مجرم متفاوت و متعارض باشند. در کنار این اقدامات به دولت‌های عضو اتحادیه اجازه شد تا برای تحقیقات کیفری خاص به تشکیل گروه‌های تحقیقات مشترک بپردازند. این رویکرد باعث ارتقاء اصل همکاری حقوقی متقابل به سازکار شناسایی متقابل شده است. تفاوت این دو رویکرد در اعمال صلاحدید مقام اجراء کننده و ممنوعیت وی است، بدین معنا که مقام اجراء کننده در اصل همکاری حقوقی متقابل حسب صلاحدید خود، سازکارهای اجرای قرار قضایی را در نظر می‌گیرد، اما در اصل شناسایی متقابل از وی سلب صلاحدید می‌شود تا اینکه او حسب سازکارهای پیش‌بینی شده در قرار قضایی ارسالی، به انجام تحقیقات، جمع‌آوری و ارسال دلایل کیفری بپردازد (Peers, and De Capitani, 2014: 1)، صرف‌نظر از اینکه در کنوانسیون شورای اروپا راجع به جرایم سایبری،<sup>۲</sup> دولت‌های عضو تشویق شده‌اند که اگر در خلال تحقیقات کیفری با رفتار مجرمانه دیگری مربوط به قلمرو دولت عضو مواجه شدند، تحقیقات کیفری در آن زمینه را نیز انجام دهند، اگرچه مقامات قضایی آن دولت هنوز تحقیقات در آن زمینه را آغاز نکرده باشند یا درخواستی برای همکاری حقوقی متقابل در این رابطه نداشته باشند.<sup>۳</sup>

در دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی تلاش شده است که کاستی‌های مقررات سابق مرتفع شوند. با وجود این، دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی به دلیل دربرنگرفتن مسائلی از جمله گروه‌های تحقیقات مشترک و شنود مخابرات دارای کاستی است. البته دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی کلیه جرایم و جمع‌آوری و ارسال دلایل آن را دربرمی‌گیرد. با وجود این،

1. Green Paper on obtaining evidence in criminal matters from one Member State to another and securing its admissibility (2009).
2. Council of Europe (COE) Convention on Cybercrime.
3. Mutual Legal Assistance Provisions of the Budapest Convention on Cybercrime.

دولت درخواست‌شونده می‌تواند در مسائل مرتبط با امنیت یا منافع ملی، افراد دارای مصونیت، موضوعات فاقد پیشینه و سازکارهای اجرایی یا موضوعات مشابه غیرمجاز در پرونده‌های ملی از همکاری با دولت درخواست‌کننده خودداری کند. بر اساس دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی، دولت درخواست‌شونده مکلف به تبعیت از خواسته‌های دولت درخواست‌کننده است، اگرچه دستور راجع به تحقیقات در رابطه با رفتاری باشد که هنوز در قوانین کیفری این دولت جرم‌انگاری نشده است. با این حال، اعمال دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در قلمرو پرونده‌های دارای اعتبار امر مختومه به لحاظ ممنوعیت محاکمه مجدد و مجازات مضاعف مجاز نیست، چراکه این رویکرد برخلاف اصل شناسایی متقابل میان دولت‌های عضو اتحادیه است. در عین حال، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد دارای اثر سلبی احکام قطعیت یافته مراجع کیفری با عنوان اصل اعتبار امر مختومه است که در زمان همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری مدنظر دولت‌ها قرار می‌گیرد (زحمتکش، جانی‌پور و سبحانی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). بر همین اساس، درخواست تحقیقات و جمع‌آوری دلایل کیفری در حوزه جرایمی که به هر ترتیب یک‌بار مورد رسیدگی و تعیین مجازات قرار گرفته‌اند در چارچوب مقررات دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی قرار نمی‌گیرد.

این وضعیت متفاوت از درخواست تحقیقات کیفری در خصوص رفتارهایی است که بر اساس قوانین دولت اجراء‌کننده قابل مجازات نیستند. در واقع، دولت درخواست‌شونده مکلف به تبعیت از دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی راجع به رفتارهایی است که در قوانین کیفری وی فاقد سابقه جرم‌انگاری است. اگرچه در وضعیت اخیر نیز متهم بنا به قوانین داخلی دولت اجراء‌کننده نباید مجازات شود. رویکرد اتحادیه اروپا در این وضعیت بر تبعیت از دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی است. در عین حال که الزام به تبعیت از دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در قلمرو رفتارهای مجاز با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها منافات دارد، نتیجه آن با ممنوعیت محاکمه مجدد و مجازات مضاعف حداقل یکسان است، اگر قائل بر شدت وضعیت تحقیقات کیفری در قلمرو رفتارهای مجاز نباشیم، چراکه در وضعیت ممنوعیت محاکمه مجدد،

متهم مرتکب جرم شده است و مجازات آن را تحمل کرده است، اینک از تحقیقات کیفری زمینه‌ساز مجازات مجدد برای رفتار مجرمانه سابق جلوگیری می‌شود. اما در وضعیت دوم تحقیقات کیفری در قلمرو رفتارهای غیرمجرمانه مجاز است، حال آنکه استحقاق مرتکب آن بر عدم مجازات از حالت اول بیشتر است. از این رو، به نظر می‌رسد این دو رویکرد در تضاد با یکدیگر هستند و بنا به فلسفه ممنوعیت محاکمه مجدد نیز باید دستور تحقیقات کیفری در قلمرو رفتارهای غیرمجرمانه ممنوع باشد.

با وجود این، اگر اجرای دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی مستلزم شنود مکالمات یا بازرسی منزل تبعه دولت اجراء کننده باشد، دولت اجراء کننده می‌تواند از اجرای دستور تحقیقات کیفری با عذر ناهماهنگی آن با قوانین داخلی خودداری کند. بر این اساس، الزام دولت اجراء کننده به ایجاد محدودیت برخلاف حقوق بنیادین اتباع داخلی در قلمرو رفتارهای جرم‌انگاری نشده در قوانین داخلی مجاز نیست (Vermeulen, De Bondt and Van Damme, 2010: 115). فلسفه همکاری متقابل دولت‌های عضو در امور کیفری محدود به جرایم مهم است و کلیه جرایم را دربر نمی‌گیرد. در چنین شرایطی اگر تحقیقات خواسته شده در قلمرو جرایم مهم نباشند یا اینکه مهم بودن جرایم از منظر قوانین دو دولت درخواست کننده و اجراء کننده یکسان نباشد، زمینه شناسایی متقابل منتفی است. بر این اساس، دولت اجراء کننده تحقیقات کیفری خواسته شده مجاز به ارزیابی و ارائه تحلیل خود از خواسته طرف مقابل بر اساس قوانین داخلی است. دولت درخواست کننده نیز حسب حاکمیت اصل اعتماد متقابل نیز باید از ارزیابی و تحلیل دولت اجراء کننده در عدم امکان اجرای تحقیقات کیفری خواسته شده تبعیت کند. اگر جرم‌انگاری رفتار مشمول دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در درجات مختلف یا ناشی از مقررات مختلف در نظام‌های حقوقی دولت‌های درخواست کننده و اجراء کننده باشد، نیز وضعیت مشابهی ایجاد می‌شود. ممکن است جرم در نظام حقوقی دولت درخواست کننده تحقیقات از درجه جنحه باشد، در حالی که در نظام حقوقی دولت اجراء کننده از درجه خلاف است. همچنین، ممکن است مستند جرم‌انگاری رفتار مشمول تحقیقات در دو دولت درخواست کننده و اجراء کننده متفاوت

باشد، یکی بر اساس قانون مصوب قوه مقننه و دیگری بر اساس قانون مصوب مرجع موازی باشد. از این رو، شرایط مشابه ارزیابی دولت درخواست‌شونده از تبعات اجرای دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در چنین شرایطی محفوظ است. تحت این شرایط بدیهی است که قوانین آیین دادرسی کیفری برای انجام تحقیقات در رابطه با رفتارهای دارای درجات مختلف یا نوع مرجع قانونگذاری آنها نیز متفاوت هستند و به همین میزان کمترین تنش را با بایسته‌های حریم خصوصی فاعل آن دارند. ممکن است اجازه بازرسی منزل، بازداشت موقت یا شنود مکالمات برای رفتارهای دارای درجه خلاف یا جنحه یا قوانین مصوب مرجع موازی قوه مقننه در دولت اجراء‌کننده تحقیقات وجود نداشته باشد. در چنین وضعیتی انتظار از دولت اجراء‌کننده تحقیقات چیست؟ آیا باید وی را ملزم به اعمال تشریفات سختگیرانه برای رفتارهایی دانست که در قلمرو داخلی با آنها به نحو سبک‌تری مقابله می‌شود یا اینکه باید وی را ملزم به تغییر درجه یا مرجع تصویب‌کننده آن مطابق با وضعیت دولت درخواست‌کننده دانست؟

پاسخ به این ابهام در دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی روشن نیست، اما به نظر می‌رسد که دولت اجراء‌کننده باید مطابق با معیارهای مقرر در نظام حقوقی داخلی به انجام تحقیقات خواسته شده بپردازد، اگرچه استانداردهای انجام‌شده از سوی وی با استانداردهای مورد انتظار دولت درخواست‌کننده متفاوت باشند. چه بسا تحت این شرایط در استانداردهای انجام تحقیقات تفاوت اساسی وجود داشته باشد. این وضعیت منجر به عدم پذیرش تحقیقات انجام‌شده برای اثبات جرم مذکور در نظام حقوقی دولت درخواست‌کننده می‌شود. اگرچه این وضعیت مطلوب و غایت مد نظر از همکاری حقوقی متقابل در سطح دولت‌های عضو اتحادیه نیست، تاوان آن را دولت اجراء‌کننده نباید با اعمال استانداردهای سختگیرانه‌تر از حد مجاز نسبت به امور داخلی پرداخت کند، چراکه تقابل میان حفظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی (ر.ک. صالحی، ۱۳۸۹: ۹۵) با حقوق و آزادی‌های فردی مشروع شهروندان در آیین دادرسی کیفری با تضمین اجرای فرایند دادرسی عادلانه در محاکم مرتفع می‌شود (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). اگرچه نظم عمومی در قلمرو سرزمینی دولت درخواست‌کننده با ارتکاب جرم برهم خورده است و دامنه آن

از حیث دلایل جرم به قلمرو برون سرزمینی دولت درخواست شونده کشیده شده است، این وضعیت نباید با شدت عمل بیش از حد تناسب پاسخ داده شود. اگر با توسل به روش‌های قانونمند بر اساس مقررات درون سرزمینی نمی‌توان به دلایل مجرمانه دست یافت، چرا تاوان نقض بایسته‌های حقوق بشری را دولت درخواست‌شونده پرداخت کند، حال آنکه وی برای تعقیب جرایم درون سرزمینی از چنین رفتارهای فراقانونی استفاده نمی‌کند.

اثبات مجرمیت بر اساس دلایل کسب‌شده به نحو نامشروع با ضمانت اجراء نقض محکومیت و برگزاری محاکمه جدید همراه است (غلاملو و فرجیها، ۱۳۹۳: ۸۴). انجام تحقیقات کیفری خواسته‌شده در جرم مالیاتی در قوانین دولت درخواست‌کننده ممکن است مستلزم شوند مکالمات، کنترل حساب‌های بانکی یا زیر نظر گرفتن متهم برای دوره زمانی خاصی باشد، حال آنکه این اقدامات در قوانین دولت اجراء‌کننده تنها برای جرایم امنیتی مجاز باشد. از این رو، انجام تشریفات مورد انتظار دولت درخواست‌کننده به دلیل تعارض با حریم خصوصی افراد و در جایی که قانون داخلی دولت اجراء‌کننده این نحوه از تحقیقات را در آن جرم مجاز ندانسته است در دولت اجراء‌کننده امکان‌پذیر نیست، چنانکه نسبت میان اصل براءت و حق آزادی شخصی به آثار این اصل بر حقوق دفاعی متهم و حقوق ناظر بر تأمین امنیت و آزادی متهم برمی‌گردد (اسمعیل‌پور و شریعت‌باقری، ۱۳۹۳: ۱۱). حمایت از حقوق دفاعی متهم (ر.ک. صالحی، ۱۳۸۸: ۶۹) و لزوم حمایت از حقوق اجتماع با حفظ منزلت مقام قضا و دادگستری موجب تحدید اختیارات قضایی در توسل به روش‌های فراقانونی در کشف یا اثبات جرایم است (حسینی و موذن‌زادگان، ۱۳۹۳: ۷). با این همه، در فرض اخیر عدم انطباق قوانین با معیارهای حقوق بشری متعلق به دولت درخواست‌کننده است. قانون دولت درخواست‌کننده از سطح معمول استانداردهای حقوق کیفری جهانی بالاتر است و نباید از آن تبعیت شود. دوران تصویب و اجرای قانون آیین دادرسی کیفری سختگیرانه در جرایم معمولی به دلیل تعارض با استانداردهای حقوق بشری در قلمرو امور کیفری دیرزمانی است که به سر رسیده است (ر.ک. مومنی‌راد و باقری،

(۱۳۹۶)، صرف نظر از اینکه اتحادیه اروپا در الزام اعضاء به یکسان‌سازی یا مشابه‌سازی قوانین داخلی موفق نبوده است.

### نتیجه

همکاری جامعه اروپایی در امور کیفری بیش از نیم سده سابقه دارد. کنوانسیون همکاری متقابل در امور کیفری نخستین موافقت‌نامه چندجانبه اصلی مصوب شورای اروپا در این حوزه است که قابلیت همکاری با تمام کشورها را دارد. اما توسعه آزادی، امنیت و عدالت در جامعه واحد اروپا در گرو بهبود سازکارهای همکاری قضایی در امور کیفری است. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری فراملی یکی از اولویتهای پیش‌رو است. اما انطباق قانون آیین دادرسی کیفری فراملی با نظام حقوقی و رویه قضایی متفاوت تمام دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به سختی امکان‌پذیر است. قانونمند کردن همکاری آنها در جمع‌آوری و ارسال دلایل کیفری به دولت درخواست‌کننده و پذیرش وی در مستند محکومیت و مجازات متهم قرار دادن از چالش‌های اتحادیه اروپا است، صرف نظر از اینکه چشم‌انداز همکاری دولت‌های عضو با دیگر دولت‌های اروپایی غیرعضو اتحادیه و غیراروپایی در سرتاسر جهان نیز محتمل الوقوع است. تردیدی نیست که در این شرایط باید تدبیری اندیشیده شود تا از آن برای همکاری با دولت‌های اروپایی غیرعضو اتحادیه و غیراروپایی در سرتاسر جهان نیز بهره گرفته شود. در واقع، اگر الگوی قانون آیین دادرسی کیفری فراملی در سطح اتحادیه اروپا با موفقیت مواجه شود، چشم‌اندازی برای تصویب آیین‌های دادرسی کیفری منطقه‌ای در سرتاسر جهان منطبق با الگوی واحد فراهم می‌شود که به نحو بهتری می‌توانند در تعامل با یکدیگر قرار گیرند.

با وجود این، زمینه تصویب قانون آیین دادرسی کیفری فراملی در اتحادیه اروپا به دلیل الزامات نسبی اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی توسط دولت‌های عضو ممکن نیست. از این رو، در مرتبه نخست تصمیم ساختاری اتحادیه اروپا نخستین ابزار اجرای شناسایی متقابل در حوزه تحقیقات کیفری در قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو اتحادیه برای جمع‌آوری و حفظ دلایل



مجرمانه بوده است. شناسایی متقابل دستورات قضایی دولت‌های عضو برای جلوگیری از نابودی، انتقال یا اختفاء دلایل مجرمانه ضروری است. بدین منظور کلیه دولت‌های عضو مجاز به صدور دستور جمع‌آوری و حفظ دلیل مجرمانه از قلمرو دولت عضو دیگر برای بهره‌برداری قضایی در دادگاه‌های داخلی هستند. پس از این مرحله، دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی یک گام مثبت در پیشبرد اصل شناسایی متقابل آراء قضایی در امور کیفری است؛ سیستم جامع جمع‌آوری دلایل فرامرزی بر این اساس پایه‌ریزی شده است. دولت صادرکننده مطابق قوانین داخلی حکم قضایی صادر می‌کند و دولت اجراءکننده آن را مطابق قوانین داخلی خود اجراء می‌کند. دولت اجراءکننده از تصمیم قضایی دولت صادرکننده تبعیت می‌کند، اگرچه اجراء چنین حکمی بر اساس قوانین داخلی وی امکان‌پذیر نباشد. به استناد مقررات دستورالعمل مذکور، هر اقدام تحقیقاتی برای جمع‌آوری دلایل در قلمرو سایر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا مجاز تلقی شده است، مشروط به اینکه این فرایند یا موارد مشابه نظارت بر دلایل فرامرزی توسط گروه تحقیقاتی مشترک صورت گیرد.

مبنای سیستم شناسایی متقابل، اعتماد متقابل به دستورات حقوقی و مقامات اجراءکننده آن در نظام حقوقی طرفین است. بر این اساس، بررسی ضرورت و تناسب دستور صادره با بایسته‌های نظام حقوقی داخلی نیز در چارچوب اعتماد متقابل است. زمانی که جرم مشمول دستور تحقیقات اروپایی در قوانین داخلی دولت اجراءکننده دستور رفتاری مجرمانه نباشد، طبیعی است که ارزش‌های مدنظر دو دولت در حوزه تحقیقات خواسته‌شده به یک میزان اهمیت ندارند. بنابراین، اگرچه انجام تحقیقات در راستای تحقق عدالت کیفری دولت درخواست‌کننده است، این الزام برای دولت اجراءکننده تحقیق مستلزم نقض حریم خصوصی تبعه یا مقیم داخلی است، حال آنکه مقیم یا تبعه مخاطب مقررات داخلی است و به تبع آن انتظار می‌رود دولت نیز خود اجراءکننده این مقررات باشد تا نظم عمومی تحت الشعاع آن قرار نگیرد؛ از این جاست که اجراء اصول شناسایی متقابل یا اعتماد متقابل در چنین شرایطی ممکن نیست. از این رو، دولت اجراءکننده در شرایطی قرار می‌گیرد که مختار به ارزیابی ضرورت و تناسب تحقیقات کیفری خواسته‌شده باشد.

اگر انجام این تحقیقات مستلزم نقض حقوق اساسی تبعه یا مقیم داخلی باشد، طبیعی است که از آن انتظار می‌رود در چنین شرایطی از انجام تحقیقات کیفری خواسته شده حسب قوانین داخلی دولت درخواست‌کننده امتناع کند، چراکه «محکومیت افراد به مجازات با توسل به دلایل جمع‌آوری شده به نحو غیرقانونی با موازین عدالت سازگار نیست، صرف نظر از توالی فاسد آن که متوجه دستگاه کیفری و جامعه است» (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

قوانین داخلی دولت اجراءکننده برای مقیم یا تبعه این انتظار را به وجود آورده است و نمی‌توان آن را به صرف ضرورت تبعیت از دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی زیر پا گذاشت. از این رو، به نظر می‌رسد امتناع یا تبعیت حداقلی از دستورالعمل قرار تحقیقات اروپایی در قلمرو سرزمینی دولت اجراءکننده منتهی به عدم پذیرش دلایل جمع‌آوری شده در قلمرو سرزمینی دولت درخواست‌کننده شود. اما این وضعیت به تضمین رعایت حقوق افراد در برخورداری از استانداردهای تحقیقات کیفری و دادرسی عادلانه مطابق قوانین داخلی منتهی می‌شود که به مراتب از وضعیت متناقض در اولویت بیشتری است. به نظر می‌رسد این رویکرد با هماهنگ‌سازی قوانین نیز راه به جایی نمی‌برد، اگر رفتار جرم‌انگاری شده در قلمرو داخلی دولت‌های عضو با ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برابر مواجه نباشد. مگر اینکه از تمام دولت‌های عضو خواسته شود که سطح مقررات خود را به ممنوعیت‌های مشابه‌ای ارتقاء دهند، اگرچه این رفتارها تا پیش از آن مجاز بوده باشند.

بر این اساس، تردیدی نیست که دولت درخواست‌کننده می‌تواند نحوه تحقیقات و جمع‌آوری دلایل مجرمانه را مطابق با قوانین آیین دادرسی کیفری خود برای دولت اجراءکننده تشریح کند. اما دولت اجراءکننده در انجام آن مقررات تا حدی مکلف به تبعیت است که این مقررات منجر به نقض حقوق بنیادین افراد مطابق قوانین داخلی خود نشوند. ایجاد استانداردهای متعادل در قوانین آیین دادرسی کیفری در نحوه تحقیقات یا کیفیت یا کمیت دلایل اثباتی جرم از موضوعات داخلی است. اگر قوانین دولت درخواست‌کننده در این حوزه متفاوت از دیگر دولت‌هایی است که ممکن است روزی طرف همکاری با وی قرار گیرند، به نظر می‌رسد این

دولت درخواست کننده است که باید در چارچوب استانداردهای بین‌المللی در قلمرو حقوق کیفری اقدامات اصلاحی را انجام دهد، نه اینکه انتظار داشته باشد مقررات و رویه قضایی دولت اجراء کننده در چارچوب مقررات اتحادیه اروپا با قوانین و رویه قضایی وی منطبق شوند. از این رو، تردیدی نیست که وضعیّت فعلی دولت‌های عضو در تجربه الگوی همکاری متقابل، اصل شناسایی متقابل و قرار تحقیقات کیفری چشم‌اندازی برای رفع چالش‌های پیش‌رو و گذر از آنها است. حلّ این چالش‌ها در گرو شناخت است که اینک زمینه عملی آن فراهم شده است. در مرحله بعد تدبیر برای عبور از آن است که مستلزم چشم‌پوشی از اعمال حاکمیت مطلق درون‌سرزمینی و پذیرش نسبی آن است. در هر صورت این زمینه‌ای برای آزمون قابلیت درک و پذیرش قانون آیین دادرسی کیفری فراملی و یکسان‌سازی قوانین داخلی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا است که در صورت فائق آمدن بر چالش‌های آن می‌تواند الگویی مناسب برای همکاری‌های منطقه‌ای غرب آسیا نیز باشد.

## منابع

## الف. فارسی

- احمدی، احمد و محسن رضایی. (۱۳۹۵). «آثار جهانی شدن جرم در قلمرو حقوق کیفری شکلی ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۴، شماره ۱۴.
- اسمعیل پور، حامد و محمدجواد شریعت باقری. (۱۳۹۳). «کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۸، شماره ۸۶.
- امیری، سروش. (۱۳۹۴). «همکاری‌های بین‌المللی اینترنتی در قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته فراملی»، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۲، شماره ۸.
- پرادل، ژان و گنرت کورستنز و گرت فرملن. (۱۳۹۳). حقوق کیفری شورای اروپا، ترجمه محمد آشوری، تهران، خرسندی.
- دلماش مارتی، می‌ری. (۱۳۹۲). جهانی شدن حقوق: چالش‌های سه گانه، ترجمه علیرضا میلانی، تهران، میزان.
- ..... (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۹۴). «هرمی شدن منابع حقوق کیفری در اروپا و چالش‌های فراروی آن»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹.
- زحمتکش، امین، مجتبی جانی پور و مهین سبحانی. (۱۳۹۴). «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به عفو جرایم بین‌المللی از منظر قاعده منع محاکمه مجدد»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۰.
- حاجی‌زاده، محمود، هیبت‌اله نژندی منش و محمدحسین زارعی. (۱۳۹۶). «جایگاه حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۸، شماره ۵۴.
- حبیب‌زاده، توکل و محمدصالح عطار. (۱۳۹۱). «ارزیابی مفهومی حقوق نرم در نظام منابع حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۲.

- حسنی، عباس و حسنعلی موذنزادگان. (۱۳۹۳). «دفاع دام گستری، از مفهوم شناسی تا آثار»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۷۸، شماره ۸۵.
- جانی پور، مجتبی. (۱۳۹۰). «اعتبار احکام کیفری خارجی در فقه اسلامی و نقش آن در توسعه مناسبات بین المللی»، *فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل*، دوره ۱، شماره ۲.
- سعیدی، سیاوش. (۱۳۹۱). «استراتژی امنیتی آمریکا و قدرت نرم اروپا»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۸۷.
- شاملو، باقر و مجید مرادی. (۱۳۹۲). «تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت گرایی در جرم پولشویی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۱.
- صالحی، جواد. (۱۳۸۸). «سکوت؛ جلوه ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ۱، شماره ۳.
- صالحی، جواد. (۱۳۸۹). «مولفه های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری»، *مجله پژوهش های حقوقی*، شماره ۱۷.
- فروغی، فضل الله، محمدناصر برجی و جواد مصلحی. (۱۳۹۳). «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ۶، شماره ۳.
- غلاملو، جمشید و محمد فرجیها. (۱۳۹۳). «محکومیت بی گناهان: از خطای قضایی تا بی گناهی واقعی»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال ۳، شماره ۸.
- کلانتری، کیومرث و فرشاد شیرزادی فر. (۱۳۹۴). «محدوده اعتبار احکام کیفری خارجی صادره مطابق صلاحیت جهانی در دادگاه های ایران»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال ۳، شماره ۱۰.
- مؤمنی راد، احمد و فرهاد باقری. (۱۳۹۶). «چالش ها و تقابل صلاحیت های اتحادیه اروپا و دولت های عضو در مسائل پلیسی و کیفری مربوط حوزه آزادی، عدالت و امنیت»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۳.

- مهدوی پور، اعظم و نجمه شهرانی کرانی. (۱۳۹۴). «نقش مُخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم اقتصادی؛ مقتضیات و موانع»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۳، شماره ۱۰.
- میر خلیلی، محمود، علیرضا رحمانی نعیم آبادی و ابوذر سالاری فر. (۱۳۹۳). «بسترهای توسعه اعمال قوانین جزایی در مکان»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۸.
- میر محمدصادقی، حسین و علی ایزدی‌ار. (۱۳۹۲). «صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه با تأکید بر قانون جدید مجازات اسلامی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵.

### ب. انگلیسی

- Action Plan Implementing the Stockholm Programme (2010), Brussels.
- Additional Protocol to the European Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (1978), No. 99.
- Buric, Zoran. (2015). 'Transnational Criminal Proceedings and the Position of the Defense', pp. 63-90, Available at ([https://www.pravo.unizg.hr/\\_download/repository/5\\_-\\_Transnational\\_criminal\\_proceedings\\_and\\_the\\_position\\_of\\_the\\_defence.pdf](https://www.pravo.unizg.hr/_download/repository/5_-_Transnational_criminal_proceedings_and_the_position_of_the_defence.pdf)).
- Council Framework Decision 2003/577/JHA (2003), The Official Journal of the European Union, No. 196.
- Council Framework Decision 2008/978/JHA (2008), The Official Journal of the European Union, No. 350.
- Council of the European Union, Council Act (2000), The Official Journal of the European Union, No. 197.
- Council of the European Union, Council Act (2001), The Official Journal of the European Union, No. 326.
- Directive 2014/41/EU (2014), The Official Journal of the European Union, No. 130.
- Directive of the European Parliament and of the Council of Regarding the European Investigation Order in Criminal Matters (2014), The Official Journal of the European Union, No. 130.

- European Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (1959). Available at: (<http://www.conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/030.htm>).
- European Union, Amsterdam Treaty (1997).
- Gless, Sabine. (2013). 'Transnational Cooperation in Criminal Matters and the Guarantee of a Fair Trial: Approaches to a General Principle', *Utrecht Law Review*, No. 9(4).
- Green Paper on Obtaining Evidence in Criminal Matters from one Member State to another and Securing its Admissibility (2009). Brussels, Available at (<http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=COM:2009:0624:FIN:ES:PDF>).
- Initiative for a Directive of the European Parliament and of the Council regarding the European Investigation Order in criminal matters (2010), Brussels.
- Klip, Andre. (2009). *European Criminal Law: an Integrative Approach*, Antwerp, Oxford, Portland.
- McClean. David. (2012). *International Cooperation in Civil and Criminal Matters*, Oxford University Press.
- Mitsilegas, Valsamis. (2006). 'The Constitutional Implications of Mutual Recognition in criminal matters in the EU', *Common Market Law Review*, No. 43(5).
- Mutual Legal Assistance Provisions of the Budapest Convention on Cybercrime.
- Peers, Steve and Emilio De Capitani. (2014). EU Law Analysis: The European Investigation Order: A New Approach to Mutual Recognition in Criminal Matters, EU Law Analysis, Available at (<http://eulawanalysis.blogspot.com/2014/05/the-european-investigation-order-new.html>).
- Peers, Steve. (2004). 'Mutual Recognition and Criminal Law in the European Union: Has the Council Got It Wrong?', *Common Market Law Review*, No. 41(1).

- Proposal for a Council Framework Decision on the European Evidence Warrant for Obtaining Objects, Documents and Data for Use in Proceedings in Criminal Matters (2003), Brussels.
- Protocol into the framework of the European Union (1997), The Official Journal of the European Union, No. 340.
- Second Additional Protocol to the European Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters (2001), No. 182.
- Stockholm Programme (2010), The Official Journal of the European Union, No. 115.
- Vermeulen, G., W. De Bondt and Y. Van Damme. (2010). *EU cross-border gathering and use of evidence in criminal matters, Towards Mutual Recognition of Investigative Measures and Free Movement of Evidence*, Maklu Publisher, Portland.
- Zimmermann, Frank, Sanja Glaser and Andreas Motz. (2011). 'Mutual Recognition and its Implications for the Gathering of Evidence in Criminal proceedings: a Critical Analysis of the Initiative for a European Investigation Order', *European Criminal Law Review*, No. 1(1).